



کارگاه «صداقت و کمال» برگزار می‌شود

سی‌وچهارمین کارگاه فلسفه اخلاق با موضوع صداقت و کمال و بررسی رابطه میان این دو با حضور رضا اکبری عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع) امروز (۱۴ اسفند) از ساعت ۱۶، در انجمن دانش‌پژوهان جوان، واقع در قم، بلوار محمدامین(ص) کوچه سیزده، پلاک ۲۹ برگزار می‌شود.



پاسخ‌های یدالله موقن به پرسش‌های «فرهیختگان»

ایده آل‌های روشنگری فرازمانی و فرامکانی هستند

باید آزاد باشد و فقط همین نوع به کارگیری خرد است که می‌تواند روشنگری را به میان مردم ببرد. «از این دیدگاه روشنگری یک روند با فرایند است که از قرن هجدهم آغاز شده و به پیش می‌رود.

آیا مقاله «پاسخ به این پرسش: روشنگری چیست؟» کانت از زمانمند و مکانمند می‌داند یا اینکه می‌توان گفت کانت با این متن چون از انسان و آزادی و روشنگری به معنای عام آن سخن گفته پس می‌توان از مقاله او در هر زمان و مکانی سودهایی جست و با هر زمان و مکانی نیستی برقرار کرد؟

روشنگری به ارزش‌های جهانی اعتقاد دارد، مانند حقوق سلب ناشدنی بشر. این بشر چه چینی باشد، چه ایرانی، چه آمریکایی و اروپایی دارای حقوق سلب‌ناشدنی است. پس ایده‌آل‌های روشنگری فرازمانی و فرامکانی هستند و مقید به «اینجا» و «اکنون» نیستند. همچنان که گفتم روشنگری یک روند است که به روشن کردن ذهن مردم می‌پردازد. اما از دیگرسو «روشنگری» عنوان یک دوره در تاریخ کشور‌های غربی است؛ عنوانی که متفکران روشنگری به دوره خود برای متمایز کردن آن از دیگر دوران در تاریخ بشر داده‌اند. پس اگر روشنگری یک دوره است «اینجا» و «اکنون» دارد. یعنی دوره‌ای است که شعار و قاعده‌اش را خود بیسان می‌کند و از طریق آنچه باید انجام دهد، چه در رابطه با تاریخ عمومی اندیشه و چه در رابطه با کنونی بودن خود و نیز در ارتباط با شکل‌های مختلف شناخت و علم و زدودن جهل و تاریک‌اندیشی و توهمات ذهنی به خود-آگاهی می‌رسد. روشنگری برای خود مأموریت روشن کردن اذهان و جنگ با خرافات و پیشداوری‌ها را قائل است. هدفش بیرون آوردن انسان از صغارت‌خود-تحمیلی است. به قول میشل فوکو در این مقاله کانت مساله زمان حال یا «کنونی بودن» را برای نخستین بار در تاریخ فلسفه به یک رویداد فلسفی تبدیل می‌کند؛ رویدادی که خود کانت نیز جزئی از آن است. تا پیش از دوره روشنگری بحث بر سر این بود که آیا باستانیان برترند یا مدرن‌ها؟ اما قرن هجدهم با عنوانی که به خود داده است یعنی روشنگری جایگاه خود را نسبت به گذشته و نیز آینده تعیین کرده است: روند فرهنگی بی‌همتا و یگانه در تاریخ بشر.

جایگاه خود کانت در مقاله‌اش کجاست و چگونه تعریف می‌شود؟

از نظر کاسیرر فلسفه کانت قله فلسفه روشنگری است. گویی فیلسوفان روشنگری می‌کوشیدند راه را برای ظهور فلسفه کانت آماده کنند. در جنبش روشنگری کانت را معمولاً سخنگوی گرایش فردگرایی و خردگرایی می‌دانند. اما در تفسیرهای جدیدی که از این مقاله شده است بر این نکته نیز تأکید می‌شود که کانت اهمیت جمع یا اجتماع و احساس را نادیده نگرفته است. کانت در همان مقاله می‌گوید: «اگر بپرسند که آیا ما در حال حاضر در عصری روشنفکرانند یا نه؟ پاسخ این است نه؛ اما در عصر روشنگری به سر می‌بریم. در اوضاع کنونی که بسیاری از چیزها وجودشان لازمند تا انسان‌ها، به منزله یک کل، بتوانند – یا حتی خود را در وضعیتی قرار دهند که به آسانی بتوانند بدون راهنمایی بیرونی و با اعتمادبه‌نفس، فهم خود را در موضوع به کار برند، وجود ندارند. اما نشانه‌های روشنی در دست هستند که نشان می‌دهند راه برای انسان‌ها گشوده شده است که آزادانه در این جهت به پیش روند. موانع در راه روشنگری عمومی-یعنی در راه‌هایی انسان‌ها از صغارت‌خود-تحمیلی-به تدریج از میان برداشته می‌شوند. از این لحاظ این عصر، عصر روشنگری است.» گرچه به قول فوکو بخشی از آنچه را انسان غربی هست و آنچه را می‌اندیشد و آنچه را انجام می‌دهد، روشنگری تعیین کرده است. اما به‌رغم اینها، ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه مانند بلشویسم، نازیسم و فاشیسم در برابر روشنگری قذلم کردند. در آلمان، سرزمین کانت، نازیسم پیروز شد و سرزمین ولتر، فرانسه، نیز به اشغال نازی‌ها درآمد و حکومتی دست‌نشانده و فاشیست بر سر کار آمد. ایتالیا زیر یوغ فاشیسم رفت و روسیه نتوانست وارد دوره روشنگری شود. در خاورمیانه نیز برنامه روشنگری نه تنها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است بلکه با آن سر ستیز نیز دارند؛ ولی برعکس، نازیسم، فاشیسم و بلشویسم و حالا هم پست‌مدرنیسم که تا زمان میدان هستند.

همایش ملی سیاستگذاری اجتماعی در ایران

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی همایش ملی «سیاستگذاری اجتماعی در ایران» را ۱۵ و ۱۶ اسفند از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۷ در محل این دانشکده واقع در خیابان شریعتی تقاطع اتوبان همت، خیابان گل‌نبی برگزار می‌کند. در این نشست زمینه‌ها، رویکردها، تحولات تاریخی، روندهای پیش‌رو و... بررسی می‌شود.



رونمایی از کتاب «تذکره نفائس المائر»

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به مناسبت یکصدوهمین سال خدمات علمی و فرهنگی این کتابخانه، کتاب «تذکره نفائس المائر» تألیف علاءالدوله دیلمی کامی قزوینی را رونمایی می‌کند. این نشست با حضور سیدعلی عماد و سیدطه هاشمی یکشنبه ۱۵ اسفند از ساعت ۱۶ تا ۱۶:۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی بر پا خواهد شد.



نگاهی به اهمیت ارنست رنان و خطبه تاریخی او در سالروز تولدش

آغاز گرمناقشه فکری میان اسلام و غرب



ارنست رنان

انتشار، ابتدا به زبان‌های عربی، آلمانی و روسی و بعد از مدتی، به زبان‌های ترکی، انگلیسی و فارسی، ترجمه شد. اندیشه‌گران مسلمان در واکنش به این اقدام به نوشتن ردیه‌های متعدد در نقاط مختلف جهان اسلام کردند؛ حتی برخی خاورشناسان اروپایی نیز ردیه‌هایی در این باره به نگارش درآوردند. رنان در خطبه میسوط خود، ابتدا به وضعیت موجود مسلمانان و کشورهای اسلامی اشاره‌ای مختصر می‌کند و وارد بحث مربوط به نسبت میان اسلام و علم و نسبت قوم عرب و دیگر اقوام مسلمان با علم می‌شود و در طول خطبه خود، به طرح ادعاهایی که تا آن زمان از سوی کسی به صراحت در یک مجمع علمی مطرح نشده بود، می‌پردازد. خطبه‌های رنان بعد از انتشار؛ موجب بروز واکنش‌های زیادی از سوی خاورشناسانی نظیر چارلز مسمر، گوستاو لوین، لویی ماسینیون، دیولافو و ریمنود شد. جدای از آنها، متفکران جهان اسلام، نظیر سیدجمال‌الدین اسدآبادی، حسن عاصم‌افندی و ابن‌رشاد علی فروخ در پاریس؛ امیرعلی و محمد حمیدالله در هند؛ جلال نوری و نامق کمال در عثمانی؛ عطاءالله یازیدوف در روسیه؛ احمدرضا، رشیدرضا و محمد عبده در عصر؛ و جمله اندیشمندانی بودند که خطبه‌های رنان را از جنبه‌های مختلف نقد و اقدام به نوشتن ردیه‌های متعددی کردند.

ارنست رنان، خاورشناس معروف فرانسوی، سال ۱۸۲۳ در شمال فرانسه به دنیا آمد. ۹۰ سال اول تحصیلاتش را در زادگاه خود به پایان رسانید و از سال ۱۸۳۸ به پاریس رفت و در جرگه طلاب علوم الهی درآمد. اما کم‌کم تحت‌تأثیر متفکران آلمانی، از مذهب کاتولیک فاصله گرفت و با پشتیبانی خواهر خود از خدمت به کلیسا چشم پوشید. بعد از آن، در دانشگاه به تحصیل در رشته‌های فلسفه، فقه‌اللغه و تاریخ ادامه داد و به سال ۱۸۵۲، رساله دکتری خود را که درباره این‌رشد و مکتب‌وی نگاشته بود، به پایان برد. رنان، بعد‌ها بارها به مصر، آسیای صغیر و یونان سفر کرد تا به تکمیل مطالعات خود بپردازد. وی تا پایان زندگی، به تحقیق و نگارش مشغول بود و آثار گوناگون و متعددی به دلیل وسواس تاریخی او شهرت دارد. رنان در سال ۱۸۹۲ م، در پاریس درگذشت. رنان در ۲۹ مارس ۱۸۸۳، یکی از بحث‌برانگیزترین خطبه‌های خود، با عنوان «اسلام و علم» را در سوربن ایراد کرد. این خطبه، که در مجله‌های دبا (Journal Des Debats) (مساحات) منتشر شد، اندکی بعد از انتشار؛ به یکی از مناقشه‌برانگیزترین مسائل فکری میان جهان اسلام و غرب تبدیل شد. خطابه مزبور اندکی بعد از



↑ دوره روز

دریچه

داوری‌ردکانی در مراسم گرامیداشت روز آینده

آینده‌نگری تلفیق علم و اهتمام است

باسواد بودن همه ایده‌آل اعلام شده قرن ۱۸ بود. به زعم داوری این ایده‌آل نمی‌توانست محقق شود ولی بی‌جا و بی‌راه نبود. ایده‌آل همیشه چیزی است نرسیدنی ولی نرسیدنی به معنای نرسیدن به هیچ بخش آن نیست. مای‌توانیم به جزئیاتی از این ایده‌آل برسیم. چنانچه جهان امروز به‌داشت دارد، از آزادی سخن می‌گوید و رویای آزادی و عدالت دارد. اگر هم حقیقت آنها محقق نشود به رویایش راضی است. رئیس فرهنگستان علوم با تأکید بر اینکه آینده‌نگری همت لازم دارد توضیح داد که نزدیک‌ترین معنی و کجاست و وقتی درباره آینده حرف می‌زنیم به کجا باید نگاه کنیم، صحبتش را آغاز کرد و توضیح داد که در زمان‌های قدیم، تا قبل از عالم جدید، بشر آینده‌نگری نداشته است زیرا که تاریخ آرام‌آرام، سیر خودش را به صورت طبیعی می‌پیموده است. به همین جهت پیشرفت به معنایی که اخیراً مطرح می‌شود در تاریخ گذشته اتفاق نمی‌افتاده است. از ۵۰۰ سال پیش علمی به وجود آمد که این علم خودش را قادر به پیش‌بینی می‌داند و می‌گفت برای بهتر شدن زندگی است. آینده‌نگری امری بود که تا ۱۰۰ سال پیش کسی از آن چیزی نمی‌گفت. رئیس فرهنگستان علوم آینده‌نگری را نوعی سیاست و علم خواند و شرح داد که به بیان دیگر آینده‌نگری سیاست عقلی و علمی است. جهان تجدد طرحی هماهنگ را برای خودش آماده کرد و ایده‌آلی را در نظر آورد که این ایده‌آل شبیه بهشت زمینی بود. در این طرح نبود بیماری، نبود فقر، داشتن مسکن و ۱۸ خود را محقق کند.

تحلیلی بر اندیشه‌های علم دینی در جهان اسلام

نشست تخصصی نقد و بررسی کتاب «تحلیلی براندیشه‌های علم دینی در جهان اسلام» امروز (۱۴ اسفند) از ساعت ۱۵ تا ۱۷ با حضور سیدمحمدتقی موحدیطبی و مالک شجاعی‌جوشقانی در محل سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی واقع در بزرگراه کردستان، نبش خیابان دکتر صادق آگینه‌وند (۶۴ غربی) برگزار می‌شود.



نقد و نظر

نشست «فلسفه و علوم انسانی» برگزار شد

جای فلسفه در دانشکده ادبیات است

در ادامه نشست‌هایی که طی ماه گذشته در ذیل بحث «نشست فلسفه با مفاهیم مختلف» برگزار می‌شود، تالار شهید مطهری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران میزبان نشست «فلسفه و علوم انسانی» بود. نشست با حضور حمید پارسانیا، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مهدی معین‌زاده عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که در آن نسبت میان فلسفه و علوم انسانی واکاوی شد. آنچه در ادامه خواهید خواند بخشی از صحبت‌های حاضران در این نشست است که به نقل از «مهر» آمده است.

🔗 فلسفه و تقویم ناحیه وجودی علوم انسانی

در سخنرانی امروز من، هر جا حرف از علوم انسانی می‌آید ناظر به مناقشه علوم انسانی است، چرا که علوم انسانی یک چیز دم‌دستی و حاضر و آماده نیست. ما حتی برای عنوان علوم انسانی هم به توافق نرسیده‌ایم. عده‌ای آن را علوم اخلاقی یا علوم تاریخی، علم اعتبار، علم معنا و گاهی هم علوم اجتماعی نامیده‌اند. به همین دلیل وقتی از علوم انسانی یاد می‌کنیم منظورمان متناشه علوم انسانی است. بنده می‌خواهم توضیح دهم که فلسفه بطور در طول تاریخ، حوزه موضوعی علوم انسانی را به لحاظ وجودی قوام داده است. هر تاملی در اندیشه مغرب‌زمین باید در ارتباط با علوم طبیعی سنجدیده شود. بنابراین علوم انسانی تا به امروز شکستجه زیادی را تحمل کرده تا بتواند خودش را از علوم طبیعی جدا و اعلام استقلال کند. علاوه بر این فلسفه و فیلسوفان هم جا را برای علوم انسانی و ابژه آن یعنی انسان باز کردند. در دوره مدرن اولین جوانه زدن علوم انسانی و جدا کردن آن از بدنه معرفت را می‌توان به هیوم نسبت داد. در نظریه دیلتای هم طرحی می‌بینیم که گویی انسان در قواره تاریخمند، خودش را نشان می‌دهد. بنابراین معلوم می‌شود علوم طبیعی به مسائلی می‌پردازد که تاریخمند نیستند ولی علوم انسانی به مسائلی می‌پردازد که ذاتا تاریخمند است. انسان هم یک موجود تاریخمند و موجود تاریخی یعنی موجودی درحال شدن است و با توجه به چیزی که می‌شود می‌توان راجع به آن احکامی صادر کرد. هر علمی به موضوعی قائم است که این موضوع خود یک قلمروی وجودی می‌خواهد. معمولاً هم این قلمرو از پیش آماده نیست. قلمروی علوم انسانی توسط فلسفه پیش کشیده شد و به عبارتی فلسفه برای جدا کردن قلمروی وجودی علوم انسانی با علوم طبیعی تلاش بسیاری کرد.

🔗 نقش فلسفه در علوم انسانی

فیلسوف چه تفسیری از خودش و نسبت با علوم انسانی ارائه می‌دهد؟ تعبیر علم انسانی را فارابی به کار برده است. او در عرصه علوم انسانی تعبیر صریحی دارد و مطرح می‌کند که موضوعات، موجوداتی هستند که با اراده انسانی ایجاد می‌شوند. فارابی علوم انسانی را در مقابل علوم نظری قرار داد. علوم نظری هم به سه دسته تقسیم می‌شود؛ یک موجودی به اسم طبیعی که امتداد و حرکت دارد. دو عرصه‌ای از وجود که فارغ از امتداد و مطلق است. سه، عرصه‌ای از علم به وجود که متافیزیک نامیده می‌شود. علوم طبیعی قید حرکت و اندازه دارند اما متافیزیک احکام مربوط به اصل وجود را بیان می‌کند. متافیزیک آن سوی فیزیک و موجود است. از متافیزیک، ریاضی و فیزیک برنمی‌آید ولی علوم انسانی فارغ از قواعد متافیزیک نیست، به عبارتی می‌توان گفت متافیزیک یک علم اعلی و کلی است که سایر علوم در ذیل آن هستند. اصولی که به‌عنوان مبانی است متافیزیک را فراهم می‌کند. یعنی متافیزیک موضوع سایر علوم را تفسیر می‌کند و در صدر می‌نشیند. متافیزیک با افق نشودن روی سایر علوم امکان به وجود آمدن علوم مختلف را تأیید یا نفی می‌کند. به بیانی افق سایر علوم به متافیزیک برمی‌گردد. در یک مقطعی از قرن نوزدهم با عرصه‌ای مواجه می‌شویم که نسبت فلسفه با سایر علوم متحول می‌شود و نوعی واژگونی رخ می‌دهد. براساس دیدگاه پیشین، فلسفه نه تنها یک علم بلکه علم اعلاست. آگوست کنت فلسفه را مقابل علم تعریف کرد و علم را که تفسیر می‌کرد می‌گفت علم یک دانش تجربی است، اما کانت می‌گوید فلسفه، معرفتی نیست که وجودی را به ما نشان بدهد. به عقیده او فلسفه تاکنون عالم را نشان می‌داده اما از امروز فقط مفاهیم ذهنی را به ما نشان می‌دهد و از آغاز هم همین گونه بوده است. به عقیده او متافیزیک چیزی جز معرفت‌شناسی نبوده و نیست. براساس تعریف کنتی و پوزیتیویستی از علم، فعالیت‌های دانشکده هنر، دانشکده حقوق و... هیچ کدام علم نیستند. به عقیده کنت علم تصدادی گزاره‌ها و آگاهی و دانش آزمون‌پذیر است. چیزهایی که ما مثلاً در دانشکده هنر یاد می‌گیریم نوعی گزاره‌های مهارتی، فرهنگ و انسانیت هستند که مبانی آنها جعل و وضع انسان است. البته توجه کنید اینکه می‌گوییم اینها علم نیستند قصدمان بی‌ارزش کردن‌شان نیست. براساس همین تعریف جای فلسفه در دانشکده ادبیات است. فلسفه بخشی از مخلوق مصنوع انسانی است که می‌خواهد علم را معنی کند و دقیقاً در همین جاست که نوعی واژگونی رخ می‌دهد.



مهدی معین‌زاده



حمیدپارسانیا



کفت‌گو



زهراسلیمانی‌اقدم
خبرنگار گروه اندیشه

مقاله کانت با عنوان «پاسخ به این پرسش: روشنگری چیست؟» یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مقالات کانت است. این مقاله کوتاه توسط یدالله موقن ترجمه و دوم اردیبهشت ۸۸ در روزنامه «اعتماد ملی» منتشر شد. این ترجمه همچنان در سایت‌های مختلف در دسترس است. یدالله موقن مترجم آثار مهمی در فلسفه است. نکات مهمی را که درباره این مقاله کانت پیش‌روی ما قرار داشت با این اندیشمند درمیان گذاشتیم که در ادامه پاسخ‌های او به سوالات ما آمده است.

مهم‌ترین نکته یا مهم‌ترین آموزه مقاله کانت با عنوان مقاله «پاسخ به این پرسش: روشنگری چیست؟» که باعث شده این مقاله از زمانه کانت تا فوکو و هابر ماس با واکنش‌هایی همراه باشد، چیست؟

گرچه این مقاله حدود هشت صفحه بیشتر نیست اما از زمان نوشته‌شدنش تا امروز از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث فیلسوفان و مورخان قرار گرفته است. دست کم دو کتاب درباره این مقاله تألیف شده است. از این مقاله این‌طور برداشت می‌شده است که کانت فقط خواهان آزادی اندیشه و پژوهش در همه رشته‌ها و نیز انتشار همه پژوهش‌ها در تمام موضوع‌ها بوده است. کانت با به کار بردن شعار: «sapere aude» «شهامت دانستن داشته باش» - تفسیری از روشنگری ارائه می‌دهد که بسیار فراتر از تفسیر راینهولد (Reinhold) و مندلسون می‌رود. کانت هدف روشنگری را نه تنها آزادی برای کسب دانش بلکه از آن مهم‌تر استقلال عقلی انسان می‌داند. کانت می‌نویسد: «روشنگری بیرون آمدن انسان از صغارت‌خود است.» اما در ادامه مطلب قید می‌کند که: «من قانون روشنگری را امور دینی دانسته‌ام، یعنی روشنگری را خروج انسان از صغارت‌ دانسته‌ام که خود بر خویش، تحمیل کرده است. «آیا باید نتیجه گرفت که مثلاً یک آدم سکولار از یک آدم مذهبی روشنگرتر یا روشن‌اندیش‌تر است؟ به هیچ وجه. اگر آدم سکولار اجازه ندهد که اعتقاداتش مورد بحث و نقد قرار گیرند و انتشار پیدا کنند، آدم روشن‌اندیشی نیست. اما آدم مذهبی، آزاداندیش و روشن‌اندیش است، به شرطی که اعتقاداتش را جزء حوزه خصوصی نداند زیرا از نظر کانت بیرون آمدن انسان از وضع صغارت مستلزم به کارگیری خرد خود در حوزه عمومی است. تفسیر کانت از روشنگری خواهان مشارکت دیگران در نقد و بررسی اعتقادات در حوزه عمومی است، هرکس باید در حوزه عمومی دیگران را دعوت کند تا از عقایدش، از هر نوعی که باشد، انتقاد کنند. فقط از طریق نقد و بحث در حوزه عمومی است که اندیشه‌ها وضوح پیدا می‌کنند و ضعف و قوت‌شان آشکار می‌شود. اندیشه‌ها و اعتقادات باید از حوزه خصوصی افراد بیرون بیاوند و در حوزه عمومی آزادانه به نقد کشیده شوند. فقط با این روش است که دگم‌اندیشی‌ها از میان می‌روند و تفکر نقاد رشد می‌کند. کانت در مقاله مذکور می‌نویسد: «... کدام محدودیت سدد و مانع روشنگری می‌شود و کدام محدودیت نه تنها در راه روشنگری سد و مانع ایجاد نمی‌کند بلکه موجب پیشرفت روشنگری نیز می‌شود؟ پاسخ من این است: به کارگیری عمومی از خرد همیشه

🔗 یدالله موقن

